رویداد

جشن هفتاد سالگی برای دانشگاه بزرگ

وزیر علوم از استادان خواست برای رشد شخصیت‌های علمی برجسته همت کنند تا بین بزرگان دانشگاه فاصله نیفتد

عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

غزاله حسین‌پورا پیشینه کهن فرهنگی مشهد و خراسان، قند مکرر صحبت‌هایی بود که سخنران جشن هفتادسالگی ۲دانشگاه مشهد به زبان آوردند.

آیین بزرگداشت هفتادمین سال تأسیس دانشگاه فردوسی و دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد بعدازظهر روز گذشته در تالار دکتر رحیمی‌زاده دانشکده علوم دانشگاه فردوسی برگزار شد.

این برنامه با حضور شخصیت‌های مطرح دانشگاهی، نمایندگان دانشجویان، شخصیت‌های بلندپایه سیاسی و برخی دیگر از مدیران و اهالی فرهنگ همراه بود.

دریغ رئیس برای جدایی ۲دانشگاه باسابقه

دکتر محمد کافی، رئیس دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان را از دیرباز محل رفت‌وآمد دانش‌دوستان برای کسب علم خواند و تأکید کرد: امروز بر ماست که بار دیگر خراسان را با مرکزیت دانشگاه فردوسی و علوم‌پزشکی مشهد بنای یادگیری و یاد دادن کنیم.

او با اشاره به تاریخ مشترک آغازبه‌کار این ۲دانشگاه، از اینکه در ادامه تبدیل به ۲دانشگاه جدا از یکدیگر شده‌اند، ابراز تأسف و آرزو کرد که دوباره نام آن‌ها در سراسر کشور یکی شود و از یکدیگر بیاموزند.

کافی در بخشی دیگر از سخنانش خاطرنشان کرد: وظیفه‌ای بس بزرگ بر دوشمان است؛ اینکه به‌گونه‌ای برای آینده دانشگاه به پرورش نسل بپردازیم که در شأن شهر امام‌رضا(ع) و فردوسی بزرگ و خراسان نام‌آور باشد.

صحبت‌های رئیس دانشگاه فردوسی درباره یکی شدن ۲دانشگاه هم‌ریشه مشهد، پاسخ همتای او را به دنبال داشت. دکتر سیدمحمدحسین بحرینی‌طوسی، رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد، از وجود توأمان موافقان و مخالفان ایده پیوستن دوباره این ۲دانشگاه گفت. او همچنین از دشواری اداره دانشگاه تحت‌ریاستش به سبب وجود مسائل درمان و علوم‌پزشکی یاد کرد.

لزوم همکاری دانشگاه‌ها برای رفع مشکلات

حضور صاحب‌مقامان کشوری و استانی و شهری، یکی از ویژگی‌های این جشن بود. دکتر منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وقتی به روی سن رفت، صحبت‌هایی درباره پیشینه و جایگاه والای خراسان به زبان آورد. او خراسان را خطه نام‌آوران وصف کرد و درخشش بخش مهمی از تاریخ ایران در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه علم و ادب و هنر و عرفان را از نام خراسان دانست.

غلامی اهمیت خراسان به‌عنوان بخشی از ایران اسلامی از گذشته تاکنون را برآمده از همت اندیشمندان و نخبگان آن برشمرد.

وزیر علوم در قسمتی از سخنرانی خود به تاریخچه دانشگاه‌های ایران اشاراتی داشت. او به دانشگاه جندی‌شاپور به‌عنوان نخستین دانشگاه جهان اشاره کرد که ۱۷۵۰سال پیش در زمان ساسانیان در ایران راه‌اندازی شد.

غلامی تصریح کرد: شاید یکی از دلایل شکوفایی علم و دانش بعد از اسلام در ایران و خراسان، سابقه آشنایی با مراکز علمی دیرینه بوده است.

او دانشگاه‌های فردوسی و علوم‌پزشکی مشهد را جزو دانشگاه‌های مهم کشور خواند و گفت: دانشگاه فردوسی یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های کشور با موفقیت‌های بسیار است و می‌تواند برای نسل‌های آینده شبکه علمی بزرگی باشد. دانشگاه علوم‌پزشکی هم با توجه به ظرفیت‌های بالای خدمات در این خطه منشأ اثر بوده است.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به صحبت مطرح‌شده در ابتدای مراسم واکنش نشان داد و اظهار کرد: هیچ جدایی‌ای میان مراکز علمی نمی‌بینیم. بنابراین آرزوی پیوستن‌ها ذیل اثرگذاری بیشتر است.

او افزود: کارهایی که با همکاری رشته‌های مختلف انجام می‌گیرد، بسیاری از مشکلات جهان را حل می‌کند. بنابراین باید روی همکاری بیشتر این دانشگاه‌ها تلاش کرد.

او از استادان خواست که به ساخته‌شدن شخصیت‌های علمی در آینده و حفظ این سلسله دانشمندان همت بگذارند تا اقطاع نسل بزرگان -که زیبنده این سرزمین نیست- اتفاق نیفتد.

در حوزه علم و فناوری وظیفه خود را به‌خوبی انجام داده‌ایم

غیبت برخی مدعوین صاحب‌منصب این مراسم، نکته درخور ذکر دیگری است؛ ازجمله وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که به جای او، معاون بهداشتش حضور پیدا کرده بود. دکتر علیرضا رئیسی هنگامی که پشت تریبون قرار گرفت، از پیشینه دانش پزشکی در ایران گفت. بر پایه سخنان او، قدمت و افتخار طب در ایران به بوعلی سینا، زکریای رازی و دانشمندانی از این دست برمی‌گردد؛ پزشکانی که افزون بر طبابت، حکیم نیز بوده‌اند.

رئیسی در این مراسم گفت: امروز تعداد پزشکانی که از دانشگاه‌های مختلف ما دانش‌آموخته می‌شوند، به اندازه‌ای است که در تمام کشور به ازای هر ۲۵۰۰نفر یک پزشک کار می‌کند.

معاون وزیر بهداشت یادآور شد که حدود ۳دهه پیش، از هر ۱۰۰۰تولد زنده ۱۲۰نفر از بین می‌رفته‌اند و از هر ۱۰۰۰زن باردار بیش از ۲۷۰نفر می‌مرده‌اند؛ درحالی‌که امروز از هر ۱۰۰۰نوزاد کمتر از ۹نفر فوت می‌کنند و مرگ مادران باردار هم به زیر ۱۸نفر از ۱۰۰۰نفر رسیده است. او این پیشرفت را حاصل کار دانش‌آموختن این دانشگاه‌ها خواند.

رئیسی در ادامه برشمردن موفقیت‌های ۴دهه اخیر، به کامیابی ایران در حذف بیماری سرخک اشاره کرد که ۲هفته پیش گواهی آن را دریافت کرد؛ درحالی‌که هنوز در اروپا و آمریکا صدهاهزار نفر بر اثر این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. او وعده داد که تا سال ۲۰۲۰ میلادی بیماری مالاریا نیز در کشور ریشه‌کن شود

معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابراز کرد: در حوزه پژوهش، دانشگاه‌های کشور به سند چشم‌انداز خیلی نزدیک شده‌اند و در منطقه رتبه یک را داریم. در همین دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد ۷نفر جزو یک‌درصد دانشمندان دنیا هستند.

رئیسی تأکید کرد: ما در حوزه علم و فناوری وظیفه خود را در راستای توسعه کشور خوب انجام داده‌ایم. اگر بقیه هم وظیفه خود را خوب انجام دهند، می‌توانیم کشوری در شأن نام ایران اسلامی داشته باشیم.

راه‌اندازی دانشکده هنر امری ضروری است

جشن هفتادسالگی ۲دانشگاه قدیمی مشهد یک میهمان سرشناس هنرمند هم داشت. داریوش ارجمند، بازیگر پیش‌کسوت سینما و تلویزیون و تئاتر ایران، بزرگ‌ترین افتخار خود را شاگردی دکتر علی شریعتی در دانشگاه فردوسی مشهد بیان کرد و افزود: به همت دکتر شریعتی در صحنه تئاتر و هنر مشهد کارهای بسیاری کردیم.

انتقاد این هنرمند از جای خالی دانشکده هنر در دانشگاه فردوسی، از تأمل‌برانگیزترین مباحثی بود که در این برنامه مطرح شد. او گفت: چرا کسی همت نمی‌کند که این دانشگاه بزرگ صاحب دانشکده هنر شود؟ خراسان جایگاه بزرگی در هنر معاصر داشت. این خطه شایسته داشتن این دانشکده است و من از وزیر و رئیس دانشگاه می‌خواهم همت کنند تا دانشکده هنر تأسیس شود؛ اگرچه می‌دانم چه مشکلاتی وجود دارد و سختی‌هایش را هم چشیده‌ام.

او با تأکید بر این اعتقاد که دانشگاه فردوسی باید مهد هنر باشد، اضافه کرد: فردوسی تنهاست؛ زیرا طبیب روح و روان و شخصیت تاریخی ما بوده است. امام رضا(ع) هم تنهاست؛ زیرا جای یک حوزه مهم علمی مربوط در این دانشگاه خالی است.

ارجمند اظهار کرد: شهر مشهد با همه مشقت‌ها آدم‌های بزرگی به هنر کشور اهدا کرده و شخصیت‌های بزرگی در ادبیات و هنر و مذهب داشته است. پشت قباله زبان ما، خراسان است و متعلق به این خاک.

او آرزوی خود را گشایش دانشکده هنر در مشهد بیان کرد و با اشاره به جایگاه بلند سینماگران مشهدی در راه بردن سینمای کشور، ظرفیت ایشان را برای تدریس آموخته‌های خود یادآور شد .

مفتخر شدن به خادمی امام هشتم(ع) در هفته گذشته، مطلب دیگری بود که ارجمند به زبان آورد و آن را نهایت لطف امام رضا(ع) در پاسخ تلاش‌هایش در این شهر دانست.

در حاشیه

جشن و آیین بزرگداشت هفتادمین سال تأسیس دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه علوم‌پزشکی با حاشیه‌هایی نیز همراه بود. این مراسم با نظم و اجرای مناسبی برگزار شد، اما کاستی‌هایی نیز داشت. غیبت میهمانان شاخصی که در فهرست برنامه‌ها اعلام شده بود، مهم‌ترین این کاستی‌ها بود. دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، شاعر نامدار خراسانی و استاد بلندآوازه ادبیات فارسی، غایب بزرگ این جشن بود که اعلام شد با توجه به بیماری از حضورنیافتن خود عذرخواهی کرده است. استاندار خراسان‌رضوی و شهردار مشهد دیگر غایبان شناخته‌شده بودند. از طرفی بنا بود که از رؤسا و دانش‌آموخته‌های پیشین دانشگاه‌های میزبان تجلیل شود که این اتفاق نیفتاد.

این آیین برنامه‌هایی جانبی هم داشت که شاهنامه‌خوانی استاد محمد یگانه، خواننده موسیقی شمال خراسان، اجرای زنده موسیقی کیوان ساکت، هنرمند مطرح مشهدی، و رونمایی از تمبر و فرش یادبود مراسم از آن جمله است.

حضور رئیس و برخی اعضای شورای اسلامی شهر مشهد به‌عنوان میهمان، موضوع دیگری است که می‌توان به این گزارش افزود.

زندگی با سینما

جشنواره فجر بدون «نوید»

سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر در حالی برگزار می‌شود که بدون تردید پدیده غایب بزرگ آن نوید محمد زاده است

شکیبا افخمی| نوید محمدزاده را می‌توان ستاره بی‌چون‌وچرای سال‌های اخیر سینمای ایران دانست؛ بازیگری که در پنج سال اخیر در جشنواره فیلم فجر حضور پررنگی داشته است. محمدزاده که سابقه سال‌ها بازی در تئاتر را در کارنامه خود دارد، با بازی در فیلم «عصبانی نیستم» رضا درمیشیان و «سیزده» هومن سیدی و حضور در سی‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر، در سینمای ایران مطرح شد. او برای بازی در فیلم «عصبانی نیستم» در بخش بهترین بازیگری نقش اول مرد جشنواره فجر نامزد دریافت سیمرغ شد. محمدزاده سال بعد نیز با فیلم «ناهید» به کارگردانی آیدا پناهنده در سی‌وسومین جشنواره فجر حضور داشت اما اوج دوران کاری این بازیگر به سی‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر و نقش‌آفرینی در سه فیلم «لانتوری» رضا درمیشیان، «ابدویک‌روز» سعید روستایی و «خشم‌وهیاهو»ی هومن سیدی برمی‌گردد. او در این دوره از جشنواره در دو بخش بهترین بازیگر نقش اول مرد و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، به‌ترتیب برای فیلم‌های «خشم‌وهیاهو» و «ابدویک‌روز»، نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد و درنهایت توانست سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را از آن خود کند و اولین سیمرغش را به خانه ببرد. محمدزاده سال بعد نیز با دو فیلم «خفگی» و «بدون تاریخ، بدون امضا» در جشنواره فیلم فجر حاضر شد و برای دومین سال متوالی توانست سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل برای حضور در فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» را از آن خود کند. این بازیگر، سی‌وششمین دوره جشنواره را نیز با کاندیداتوری برای دریافت سیمرغ بازیگری نقش اول برای بازی در فیلم «مغزهای کوچک زنگ‌زده» به پایان رساند. سال گذشته نیز این بازیگر در جشنواره فجر خوش درخشید و برای ایفای نقش در دو فیلم «متری شیش‌ونیم» و «سرخ‌پوست» به‌ترتیب نامزد دریافت سیمرغ نقش مکمل و نقش اول مرد شد اما در این دوره از جشنواره و در نشست خبری فیلم «سرخ‌پوست» بود که محمدزاده اعلام کرد: «قطعا سال آینده در جشنواره فیلم فجر حضور نخواهم داشت؛ چراکه نیاز به فاصله و تغییر است. فاصله باعث می‌شود درباره نقش و فن بیان من در آثاری که تا به امروز داشته‌ام، بیشتر فکر شود.»، از این‌رو او در یک سال گذشته حضور در هیچ فیلم سینمایی را نپذیرفته و تنها در سریال شبکه نمایش خانگی «قورباغه» به ایفای نقش پرداخته است. به این ترتیب، نوید محمدزاده را می‌توان بزرگ‌ترین بازیگر غایب جشنواره سی‌وهشتم فجر دانست؛ بازیگر قدری که در پنج دوره متوالی جشنواره فیلم فجر، بازی‌هایش مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفت.

تماشاخانه

نقش‌آفرینی سعید صادقی در سریال سلمان فارسی

بازیگر تئاتر مشهد با داوود میرباقری همکاری می‌کند

نگار راد| فیلم‌برداری سریال «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری بعد از گذراندن مراحل پیش‌تولید طولانی از ۲۵آذر در کرمان آغاز می‌شود؛ سریالی که به‌گفته پیمان جعفری، مدیر تولید آن، نگارش و تحقیقاتش را داوود میرباقری حدود ۲۰سال دنبال کرده است و فیلم‌برداری آن نیز شش سال زمان خواهد برد. این پروژه عظیم ملی‌مذهبی ایرانی قرار است سه بخش زندگی سلمان فارسی و اتفاقات تاریخی در ایران، روم و حجاز را به تصویر بکشد. همچنین در هفته‌های اخیر علیرضا شجاع‌نوری به‌عنوان بازیگر نقش سلمان و فرهاد اصلانی به‌عنوان یکی دیگر از بازیگران اصلی این سریال معرفی شده‌اند. به‌تازگی خبر پیوستن یک بازیگر تئاتر مشهد نیز به این پروژه منتشر شده است. سعید صادقی، هنرمند مشهدی که پیش‌تر در سریال «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی نقش بازی کرده بود، این‌بار قرار است جلوی دوربین داوود میرباقری برود.

همکاری سه‌ماهه با «سلمان فارسی»

این بازیگر در گفت‌وگو با شهرآرا، ضمن اشاره به امضای قرارداد برای حضور در کار داوود میرباقری گفت: ازآنجایی که این سریال قرار است در کشورهای مختلف و چند شهر ایران فیلم‌برداری شود، روند تولیدش طولانی خواهد بود و پخش آن نیز به چند سال بعد موکول خواهد شد.

صادقی از اواخر دی امسال به مدت دو ماه در قشم، جلوی دوربین سریال «سلمان فارسی» خواهد رفت. سال آینده نیز حدود یک ماه در تهران، مقابل دوربین قرار خواهد گرفت. این بازیگر تئاتر فعلا درباره جزئیات کار و نقشش توضیحات دیگری نداد اما گفت نقشی که در این سریال بازی می‌کند، حداقل برای خودش تامل‌برانگیز است.

به‌روی صحنه بردن یک نمایش

صادقی درباره دیگر فعالیت‌های خود تا زمان حضور در سریال «سلمان فارسی» نیز توضیح داد: درحال آماده‌سازی نمایش «ویترین» به کارگردانی خودم برای اجرا در مشهد هستم.

به‌گفته او، «ویترین» یک ملودرام اجتماعی با رگه‌های کمدی است که احتمالا از اواخر آذر در مکان جدید پردیس تئاتر مستقل واقع در میدان حافظ روی صحنه می‌رود و اجراهای آن تا اواسط دی ادامه خواهد داشت.

گروه بازیگران نمایش ویترین از زینب مشعل‌دارآستانه، رضا عرفانی و سعید صادقی تشکیل شده است. این نمایش که پیش‌تر با نام «اتاق ۱۲۱۶» در مشهد به روی صحنه رفته بود، امسال برای حضور در جشنواره تئاتر رضوی و این‌بار به کارگردانی سعید صادقی، آماده اجراست. به‌گفته صادقی، این کار با تغییرات مهم در کارگردانی و بازیگری و سایر مسائل جزئی و کلی بازتولید شده است.

«ویترین» در این دوره از جشنواره تئاتر رضوی، توانست جوایز مهمی ازجمله جایزه بازیگر اول مرد برای سعید صادقی، بازیگر دوم مرد برای رضا عرفانی، بازیگر اول زن برای زینب مشعل‌دارآستانه، مقام دوم کارگردانی برای سعید صادقی و همچنین مقام دوم نویسندگی برای کیوان صباغ را از آن خود کند.

به‌گفته صادقی، حضور در جشنواره‌های مختلف و کسب ۱۳جایزه این جشنواره‌ها نشان داده است که نمایش «ویترین»، مخاطب خاص و عام را می‌تواند با خود همراه کند.

این کارگردان با اشاره به حمایت معاونت شهرداری از تبلیغات اجراهای عمومی این نمایش، خواستار حمایت بیشتر مسئولان از تئاتر مشهد شد.

جستار

چرا «مطرب» این‌قدر فروش دارد؟

نگاهی به پرفروش‌ترین فیلم این روزهای سینمای ایران

شریف شیرزادا| پرفروش شدن فیلمی نظیر «مطرب» دلایل بی‌شماری دارد که درک و شرح همه آن‌ها ازعهده یک تن خارج است. من نیز ممکن است بتوانم به چندتایی از این دلایل اشاره کنم، اما اینجا مایلم تنها به یکی از آن‌ها که به‌گمانم مهم‌ترینشان هم هست، بپردازم. آخرین اثر مصطفی کیایی که تا این لحظه، یعنی پس از گذشت کمتر از چهار هفته از آغاز اکران، فروشش از ۱۶میلیارد هم گذشته است، درباره یک خواننده است: «ابراهیم خوش‌سینه(پرویز پرستویی) -که بعدها به‌تقاضای دخترش، زیبا(الناز شاکردوست)، نام‌خانوادگی «خوش‌لحن» را برای خود برمی‌گزیند- خواننده‌ای کاباره‌ای است که بهمن ۵۷، در کوران انقلاب، یک ماه پیش از آنکه آلبومش روانه بازار شود و بدین‌ترتیب به شهرت برسد، دستگیرش می‌کنند. او پس از مدتی از زندان آزاد می‌شود، اما دیگر نمی‌تواند کار پیشین خود را از سر بگیرد. پس از اندک زمانی، ابراهیم و همسرش(الناز شاکردوست) صاحب دختر و چهارپنج‌سال بعد پسری می‌شوند که نام او را «فؤاد» می‌گذارند. مادر سر زا می‌رود و پدر می‌ماند با دختر و پسری که مثل خود او عاشق موسیقی و خوانندگی هستند. سال‌ها می‌گذرد و ابراهیم با کارهای مختلفی روزگار می‌گذراند تااینکه موقعیتی پیش می‌آید که او بتواند در ترکیه کنسرتی برگزار کند...» «مطرب» آن‌قدر اشکال دارد و اشکالاتش آن‌قدر واضح‌اند که هیچ نیازی نیست نمونه‌هایی از آن‌ها را اینجا ذکر کنم. محض خالی نبودن عریضه همین را بگویم که ابراهیم را به‌نمایندگی از ایران می‌فرستند ترکیه تا در هفته فرهنگی ایران در استانبول موسیقی اجرا کند؛ به‌حق چیزهای ندیده و نشنیده! بعد می‌فهمیم که آثار ایرج بسطامی را به‌جای کارهای ابراهیم داده‌اند وزارت ارشاد. نقدهای فیلم هم آن‌قدر سطحی و کم‌مایه‌اند که هیچ‌جوره نمی‌توان آن‌ها را پذیرفت؛ هرچند که به‌حق باشند. این‌طور نقدها هیچ کمکی به بهبود وضعیت نمی‌کنند، حتی می‌توان گفت به مخالفانشان امکان می‌دهند تا با استناد به آن‌ها و اثبات سستی‌شان، کار خود را قدرتمندانه‌تر ادامه دهند.

حال، چرا فیلمی که از نظر صورت و محتوا این‌قدر کم‌ارزش است، این‌قدر پرفروش می‌شود؟ همان‌طور که می‌دانید، سازندگان فیلم‌هایی از این دست برای جلب مخاطب می‌کوشند هرچه بیشتر روی خطوط قرمز پای بگذارند و حتی از آن‌ها عبور کنند اما کدام خطوط قرمز؟ آیا آن‌ها می‌توانند به حوزه هر تابویی نفوذ کنند و انتقادهایی اساسی و مبنایی مطرح سازند؟ معلوم است که نه. سازندگان این فیلم‌ها فقط به حوزه مسائل جنسی و مسائلی از این قبیل که در عرصه عمومی مجالی برای طرح آن‌ها نیست و ضمنا طرحشان حساسیت‌های سیاسی را نیز برنمی‌انگیزد، می‌پردازند؛ مثلا کیایی کل تمرکزش را معطوف موسیقی و موسیقی‌دانانی کرده است که پس از انقلابْ، حکومت آن‌ها را «غیرمجاز» اعلام کرده است. فیلم‌ساز می‌خواسته است این امر را به‌عنوان نمونه‌ای از امور مربوط به آزادی و عدالت نقد کند، اما هیچ‌جا به‌شکلی دقیق و روشن‌مند به زمینه‌ها و عوامل و نتایج چنین تصمیم یا تصمیم‌هایی نپرداخته است؛ حال یا توانش را نداشته است یا، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، امکانش را نیافته است. کیایی صرفا عکس و ترانه چند خواننده «غیرمجاز» را در فیلم خود گنجانده است. هیچ‌کس هم جلوِ کار او را نگرفته است، برای اینکه چنین کارهایی به هیچ‌جا برنمی‌خورد. نهایتا یکی‌دومیلیون نفر در سالن‌های سینما یا بعدها در خانه‌هاشان، «مطرب» را می‌بینند و راضی یا ناراضی پس از مدتی آن را فراموش می‌کنند. حرص آدمی به آنچه ممنوع است، مشهور است. آن یکی‌دومیلیون نفر به همین دل‌خوش می‌شوند که می‌توانند مدتی، هرچند کوتاه، چیزهایی را که نمی‌توانند به‌شکل قانونی در عرصه عمومی ببینند یا بشنوند، در اجتماعی کوچک ببینند و بشنوند. همین! واقعا خیلی از سینماروها به همین راضی‌اند.

زندگی با موسیقی

هنوزم از «ساختمون» صدای تار میاد

پسر ذوالفقار عسگریان به مناسبت سالروز درگذشت پدرش از خصوصیت‌های او می‌گوید

عکس: میلاد سمنگانی | شهرآرا

رضا زوزنی| در کوچه پس کوچه‌های بولوار «حر» که پیش می‌رفتیم، صدای دوتار خانواده عسگریان شنیدنی‌تر می‌شد. خانواده‌ای که موسیقی در خون و پوست و استخوانشان ریشه دوانده و از کودکی با آن عجین شده‌اند. حالا بعد از فقدان استاد ذوالفقار عسگریان، محسن، پسر بزرگش، بر جایگاه پدر تکیه زده و میراث پدر را در دست خود نگه داشته است. منزل ساده محسن عسگریان، گرما و صمیمیتی داشت که باعث شده بود حتی دخترک چهارساله‌اش هم محو تماشای پدر در هنگام نواختن دوتار شود. با تماشای ۳نسل از خانواده عسگریان کنار تصویر استاد فقید، ذوالفقار، به‌خوبی می‌توان مجسم کرد که موسیقی مقامی خراسان چطور می‌شود که سینه به سینه و نسل به نسل محفوظ بماند.

محسن با ورود ما به منزلش خود را آماده نواختن کرد؛ جامه محلی به تن داشت و گویی دوتار در دستش عضوی از بدنش شده بود. شاید بعد از ۵سالی که از ۱۶ آذر ۹۳ و درگذشت استاد ذوالفقار می‌گذرد، شبیه‌تر از محسن به پدرش کسی نباشد. او در تمام زخمه‌هایی که بر تارهای دوتار می‌زند، یاد پدرش را برای خود و هر بیننده‌ای زنده می‌کند. در آستانه سالروز درگذشت استاد ذوالفقار عسگریان، ساعاتی را در منزل پسرش یادش را گرامی داشتیم و از او گفتیم و از دوتار در دستش شنیدیم. بخشی از آن گفته‌ها و شنیده‌ها را در ادامه می‌خوانید.

پدرپسری و شاگرداستادی

به‌طور مشخص من از کودکی در کنار پدرم بودم و تحت تعالیم او قرار داشتم. او به فراخور، جلساتی را هم برای آموزش من برگزار می‌کرد اما دیدن نوازندگی او بهترین معلم برای من بود. علاوه‌بر این، هرجایی که اجرا داشت، مرا با خودش می‌برد. چه به‌عنوان شاگرد و چه به‌عنوان پسرش. غیر از موضوع پدر و پسری، بحث شاگرد و استادی هم میان ما مطرح بود. من می‌دانستم که باید این هنر را از پدرم بیاموزم.

موسیقی مقامی، هنری است که به ما ارث رسیده است و من هم به فرزندانم آن را آموزش داده‌ام. احساس می‌کنم این مسئولیتی است که به من واگذار شده است و من آن را ادامه می‌دهم. این ارثیه ماست. همان‌طور که من به پسرم هنرم را می‌آموزم، پدرم به من آموخته است و پدرِپدرم هم به او. هرچه به عقب برگردیم، این هنر نسل‌به‌نسل در خاندان ما حفظ شده است.

همنشینی مکرر و مدام

نواختن مقام‌های چهاربیتی توسط دو نوازنده با هم سخت است، اما من به‌خاطر همنشینی‌های مکرر و مدام با پدرم می‌توانستم با او هم‌نوازی کنم. من هشت‌نه‌ساله بودم که با استاد عسگریان همراه با گروه «توس» مشهد(به سرپرستی مهدی شکفته) برای حضور در جشنواره فجر به تهران رفته بودیم. قبل از اجرای گروه، استاد تک‌نوازی دوتار داشت و من هم با سازم کنارش نشسته بودم.

در میانه تک‌نوازی، تار ساز استاد برید. به محض اینکه سیم ساز او کنده شد، من با دوتارم با همان حس‌وحال کودکی، بدون اینکه از کسی اجازه بگیرم یا با کسی هماهنگ کنم، قطعه‌ای را که پدرم شروع کرده بود، نواختم و به پایان رساندم. همه گمان کردند این قطعه از قبل هماهنگ و تمرین شده است. کسی نفهمید که چه اتفاقی افتاده و ساز پدرم دچار آسیب شده است. مرحوم پدرم هم از این اتفاق خیلی خوشحال شده بود و من را تشویق کرد، حتی حضار هم گمان می‌کردند ما این قطعه را تمرین کرده بودیم. این‌ها همه به‌خاطر گوش سپردن به نوازندگی پدرم بود که من را در کودکی آن‌چنان جسور کرده بود.

استادی افتاده

استاد عسگریان هرگز رفتارش را با کسی عوض نمی‌کرد، حتی زمانی که او هنرمندی شناخته‌شده بود. احساس می‌کنم من هم باید همانند پدر، مردمی باشم و اخلاق و معرفتی را که او در هنرش داشت، داشته باشم. افتادگی او زبانزد همه بود. با وجود جایگاه هنری که داشت، همانند یک فرد عادی و معمولی رفتار می‌کرد و هرگز خودش را استاد نمی‌دانست. ما در شهرک شهیدرجایی سکونت داریم. با وجود جایگاهی که پدرم در موسیقی داشت، هرگز به این فکر نیفتاد که از این منطقه برود و در جایی دیگر زندگی کند.

جای پدرم می‌مانم

خاطرم هست؛ پدر در حیاط می‌نشست و عصرها چای می‌خورد و دوتار می‌زد. من هم می‌نشستم کنارش و می‌آموختم. همه اهل محل می‌دانستند که پدرم سازبه‌دست و نوازنده دوتار است، حتی بعضی روزها که پدر نبود یا به هر علتی ساز نمی‌زد، همسایه‌ها پرس‌وجو می‌کردند که چرا دیروز از خانه‌مان صدای دوتار نمی‌آمد. درواقع اهل محل هم با این صدا خو گرفته بودند، حتی بعد فوت پدر، گاهی جلوی خود من را می‌گیرند و می‌پرسند که چرا امروز ساز نزدی. چرا دیروز صدای دوتارت نمی‌آمد و... . من هم تصمیم گرفته‌ام همانند استادم در همین محل و در کنار همین‌مردم بمانم.

با خلوص می‌نواخت

در منطقه سکونت ما که منطقه‌ای کم‌برخوردار است، افرادی «گاری نمکی» داشتند و الآن هم کم‌وبیش هستند. آن‌ها می‌آمدند و در کوچه ما تردد می‌کردند و همانند اهل محل می‌دانستند که در خانه استاد چه خبر است. بسیاری از آن‌ها اتباع خارجی و علاقه‌مند به موسیقی مقامی بودند. خاطرم هست در یک بعدازظهر که همراه پدرم در حیاط نشسته بودیم، در حیاط باز و پرده‌ای جلوی آن آویخته بود. یکی از همان نمکی‌ها آمد و از پدرم خواست برایش دوتار بنوازد. استاد عسگریان هم بلند می‌شد و به آن‌ها کمک می‌کرد. گاری‌شان را داخل حیاط می‌آورد و آن‌ها را کنار خودش می‌نشاند و برایشان ساز می‌زد. برای استاد که در بیشتر کشورهای اروپایی به روی صحنه رفته بود، تفاوتی نمی‌کرد کسی که کنارش نشسته، شاه است یا گدا. او با خلوص نیت برای همه می‌نواخت.

یادداشت

ذوالفقار موسیقی مقامی را متحول کرد

محمد حق‌گو*| در مناطق مرکزی و شمالی و جنوبی خراسان، دوتار، ساز رایجی است اما گاهی دربین این دوتارنوازان، خانواده‌هایی یافت می‌شوند که به‌صورت مورثی کار نوازندگی را انجام می‌دادند. موسیقی مقامی به این صورت، حفظ و از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. چنانچه نوازنده‌ای هم در چنین خانواده‌ای متولد شده و از استعداد هم برخوردار باشد، قطعا به یک پدیده تبدیل خواهد شد. قطعا استاد ذوالفقار از همان دسته است و چون استعداد ذاتی این هنرمند، بالقوه بسیار سرشار بوده، تاثیری بر موسیقی محلی گذاشته است و تا سال‌ها ماندگار خواهد بود. ما اگر نمودار پیشرفت و تکنیک ساز دوتار جنوب خراسان را بخواهیم ترسیم کنیم، قطعا استاد فقید از جمله افرادی است که باعث تغییر و تحول در آن نمودار شده است. این تحول مثبت در موسیقی مقامی خراسان، جدای از آن تحولاتی است که استاد عسکریان در پرده‌های دوتار ایجاد کرده است. این استاد ازآنجایی که تکنیک بسیار خوب و احساس پخته‌ای در کارش داشت، چند پرده به دوتار افزوده بود و به‌زیبایی از آن‌ها استفاده می‌کرد. این می‌شود که ذوالفقار عسکریان از نوازندگان نادر خراسان می‌شود.

از دیگر مشخصات او در نوازندگی منحصربه‌فردش این است که او چون دائم سفر می‌رفت -حتی از دوران کودکی به این سفرها می‌رفته است- شاخصه‌های موسیقی مقامیِ شهرهایی را که به آنجا سفر کرده بود، در کارِ خودش نگه‌می‌داشت و اجرا می‌کرد؛ برای همین گاهی از دوتارش، لحن کرمانج‌ها شنیده می‌شود. گاهی لحن ترک‌ها وجود دارد و گاهی لحن جنوب خراسان را بروز می‌دهد. جالب اینجاست که همه این‌ها سر جای خودش و به قاعده اجرا می‌شود.

بدیهی است وقتی موسیقی‌شناسانی چون دکتر محمدتقی مسعودیه و استیون بلوم، پژوهشگر آمریکایی موسیقی اقوام، درپی اسناد و مدارکی برای شناخت موسیقی مقامی خراسان هستند، به مقام‌هایی که استاد ذوالفقار نواخته است، اتکا می‌کنند. این نشان‌دهنده اعتبار و استناد او در مقام‌های سازی و آوازی خراسان است.

هریک از این استادان مانند یک گنجینه ارزشمند هستند که در محفوظاتشان، مقام‌هایی است که با فقدانشان، بخشی از آن هم از بین می‌رود و نیاز است که مسئولان فکری برای حفظ این میراث ارزشمند بکنند؛ چراکه بعید است کسی بتواند جای آن‌ها را برای ما پر بکند یا روایت درستی از آن مقام منتقل کند.

آنچه به‌تجربه ثابت شده است، این است که تحصیلات آکادمیک می‌تواند نگرش یک هنرمند را تغییر بدهد. تحصیلات آکادمیک به هیچ عنوان هنرمند نمی‌سازد و کسی نمی‌تواند بگوید با تحصیلات این چنینی هنرمند شده است. یک هنرمند از ابتدا باید هنرمند باشد و از ابتدا باید آن جوهره هنری را در خود داشته باشد. تنها کاری که تحصیلات آکادمیک می‌کند، این است که نگرش هنرمند را تغییر می‌دهد و شاید باعث گسترش فعالیت او شود. تحصیلات چه‌بسا به هنرمند آسیب هم بزند و اگر شناخت و آگاهی وجود نداشته باشد، هنرمند را به یک نوع گم‌گشتگی برساند. هنرمند واقعی به این چیزها دل، خوش نمی‌کند. درباره استاد ذوالفقار عسکریان می‌توانم بگویم که او از آسیب تحصیلات آکادمیک درامان بود. آنچه باعث شد این استاد به این جایگاه و عظمت در موسیقی مقامی برسد، میراثی است که از گذشته آموخته و آن را در کنار احساس و ذوق درونی خود قرار داده است.

به خوانندگان شهرآرا توصیه می‌کنم مجموعه آثار استاد عسکریان را که انجمن موسیقی ایران منتشر کرده است و همچنین آلبوم موسیقی تربت‌جام به خوانندگی مرحوم نورمحمد درپور را گوش کنند تا تاثیر زیباشناسی بر موسیقی و نوازندگی او را بهتر درک کنند.

*آهنگ‌ساز و پژوهشگر موسیقی مقامی

همراه با فجر ۹۸

تولید «لباس‌شخصی» برای فجر۹۸

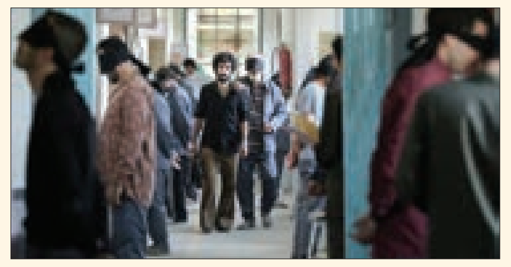

گروه هنرا فیلم سینمایی «لباس‌شخصی»، جدیدترین محصول مرکز فیلم و سریال سازمان هنری‌رسانه‌ای اوج، به کارگردانی امیرعباس ربیعی و تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد برای حضور در سی‌وهشتمین جشنواره ملی فیلم فجر فرم پر کرده است و پس از طی مراحل تولید اکنون مراحل فنی خود را پشت‌سر می‌گذارد.

این فیلم که اثری تاریخی سیاسی است، به اتفاقات دهه ۶۰ و فعالیت پیچیده حزب توده در ایران می‌پردازد. در خلاصه داستان فیلم آمده است: «بهترین حربه برای ضربه، دوستی است؛ چون پیچیدگی در سادگی اوست و به لباس‌شخصی‌ها بیشتر شک کن!»

مهدی نصرتی، توماج دانش‌هزادی، مجید پتکی، میلاد افواج، عماد درویشی، نجلا نظریان، مهیار شاپوری، احمد لشینی، کیوان محمودنژاد، شهاب بهرامی، روزبه رئوفی، علی فرهادزاده و ماه‌منیر بیطاری، تیم بازیگری این فیلم سینمایی را تشکیل می‌دهند.

جدیدترین خبر از «مست عشق»

با ادامه تصویربرداری فیلم‌سینمایی «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی، نخستین تصاویر از بوراک توزکوپاران، بازیگر جوان ترکیه‌ای این فیلم، منتشر شد. این بازیگر نقش سلطان‌ولد، فرزند بزرگ مولانا، را در «مست عشق» بازی می‌کند؛ فرزندی که همواره در رکاب پدر و معتمد او بود و از حیث ظاهر و باطن نیز شباهت‌های بسیار به مولانا داشت. همان‌طور که پیش‌تر نیز در خبرها آمده بود، نقش مولانا را پارسا پیروزفر ایفا می‌کند. در این فیلم که روایتگر بخشی از دوران زندگی مولانا و شمس است، علاوه‌بر دو بازیگر گفته‌شده، بازیگران ایرانی دیگر چون شهاب حسینی(بازیگر نقش شمس) و حسام منظور و بازیگران اهل ترکیه چون ابراهیم چلیکول، هانده ارچل، سلما ارگچ، بنسو سورال و بوران کوزوم نقش می‌آفرینند.

«مست عشق» به تهیه‌کنندگی مهران برومند و با فیلم‌نامه‌ای از حسن فتحی و فرهاد توحیدی که انتظار می‌رفت در جشنواره فیلم فجر امسال رونمایی شود، با اعلام حسن فتحی، در این دوره از جشنواره حضور نخواهد داشت.

هنر شهری

تمدید بخش دانشگاهی جشنواره خانه بهار۹۹

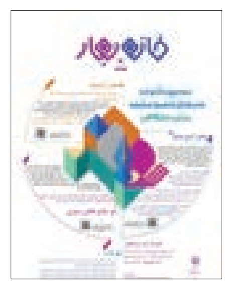

به‌گفته صدرا یوسفی، دبیر سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد، به‌دلیل درخواست هنرمندان و دانشجویان برای شرکت در بخش دانشگاهی جشنواره خانه بهار با هدف بهره‌مندی از مشارکت حداکثری قشر دانشجو، مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار در بخش‌های سه‌گانه دانشگاهی خانه بهار تا ۱۰دی۹۸ تمدید شد. یوسفی با بیان اینکه بخش دانشگاهی جشنواره هنرهای شهری خانه بهار زمینه مناسبی برای مشارکت گروه‌های دانشجویی در ایده‌پردازی و اجرای آثار هنری در سطح شهر و منظر عمومی است، از همه دانشجویان و استادان علاقه‌مند به رویدادهای خلاق و هنری دعوت کرد تا در این بخش از جشنواره شرکت کنند. لازم به ذکر است بخش دانشگاهی سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد در سه بخش آذین‌بندی شهری، دیوارنگاری و گرافیک، پذیرای طرح‌های گروه‌های هنری دانشجویی است. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام در جشنواره به آدرس khanebahar.ir(بخش دانشگاهی) مراجعه کنند. همچنین برای به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با دبیرخانه به شماره ۰۵۱۳۸۴۱۳۹۰۰ و شماره ۰۹۱۵۷۸۹۸۶۳۴ تماس بگیرند.